

قتل نفس و مجازات آن در ادیان ابراهیمی

سیده رویا حسینی^۱، پروانه نخعی سرو^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق دانشگاه شهید مطهری واحد یزد.
^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد دکتری فقه و مبانی حقوق.

نام نویسنده مسئول:

سیده رویا حسینی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۶

چکیده

در این مقاله سعی شده به کمک روش مقایسه میان ادیان و با تکیه بر مباحث تورات و انجیل و قرآن به عنوان دست اول ترین منابع به بررسی موضوع قتل نفس بپردازیم که شاید از این منظر کمتر کسی تا به حال به آن پرداخته باشد. گمان ما بر آن است که سه دین یهود و مسیحیت و اسلام در پی هم از جانب خدای واحد برای تعالی بشر آمده اند. « نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ أُنزِلَ التَّوْرَةُ وَ الْإِنْجِيلَ (ال عمران/۳) این کتاب را تدریجاً به حق و راستی بر تو نازل کرد، که تصدیق کننده کتاب‌های پیش از خود است؛ و تورات و انجیل را.»

این پژوهش با بررسی موضوع قتل نفس و مجازات های آن به دنبال این است که بر این حقیقت بزرگ صحنه گذارد و ان شاء الله راهی باشد برای نزدیک تر کردن هر چه بیشتر این سه دین به هم به حکم آیه ی « قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ (ال عمران/۶۴) بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است»

تلاش بر این است تا علت حرمت قتل را در ابتدا بررسی کنیم؛ سپس اقسام آن را در ادیان مختلف بیان کنیم و مجازات های قتل را ذکر کنیم. آنگاه مجازات ها را بررسی میکنیم و نسبت به آن ها نظر خواهیم داد.

این پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی و با روش کتابخانه ای با مراجعه به سه کتاب قرآن و انجیل و تورات صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: قتل نفس، قصاص، دیه، کفاره، یهود، مسیحیت، اسلام.

مقدمه

حدود پنجاه آیه از آیات شریفه قرآن با الفاظی از قبیل قبلک و قبلکم اشاره به ادیان قبل از اسلام خصوصا یهود و مسیحیت دارد و از آنان سخن به میان می آورد که ما به عنوان نمونه دو مثال از آن ها را می آوریم.

«يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۲۶/نساء) خدا می خواهد احکام و مقرراتش را برای شما بیان کند و شما را به روش های [پاک و صحیح] کسانی که پیش از شما بودند، راهنمایی نماید و رحمت و مغفرتش را بر شما فرو ریزد؛ و خدا دانا و حکیم است.»

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹/آل عمران) مسلماً دین [واقعی] که همه پیامبران مبلّغ آن بودند نزد خدا اسلام است. و اهل کتاب درباره آن اختلاف نکردند مگر پس از آنکه آنان را آگاهی و دانش آمد، این اختلاف به خاطر حسد و تجاوز میان خودشان بود؛ و هر کس به آیات خدا کافر شود [بداند که] خدا حسابرسی سریع است.»

از آنچه در دو آیه فوق آمده برداشت می شود که نه مسیحیت آمده بود تا یهود و دین موسی (ع) را تکذیب کند و نه اسلام آمده بود تا این دو دین بزرگ الهی را تکذیب کند بلکه هر دو آمدند تا ارزش ها و احکام از دست رفته دین قبلی را دوباره احیاء کنند.

مطالعه مباحث مختلف از قبیل خدا شناسی، نماز، روزه، حجاب، زکات، قصاص و غیره در این سه دین الهی به ما نشان می دهد که حقیقتاً این سه دین واحدند و از جانب خدای واحد آمده اند و به ما نشان می دهند که سیر تکامل و تحول بشریت این الزام را بوجود آورده تا در گذری از زمان پیامبری بیاید و احکام را از نو برای بشر بازگو کند و تذکری باشد برای انسان هایی که از دستیابی به دین حقیقی و ناب باز مانده اند.

مفهوم شناسی:

واژه قصاص:

قصاص از ماده قص گرفته شده است قص به معنای کیفر گناهان است و قصاص را عمل مقابله به مثل گویند" (فرهنگ ابجدی صفحه ۶۹۶)

و نیز گفته شده: قصاص به معنی جستجو و پی گیری از آثار چیزی است و هر امری که پشت سر هم آید عرب آن را " قصه " می گوید و از آنجا که " قصاص " قتلی است که پشت سر قتل دیگری قرار می گیرد این واژه در مورد آن به کار رفته است. (تفسیر نمونه جلد یک صفحه ۶۱۲)

واژه دیه:

دیه که در فارسی به آن خون بها گویند در فقه اسلامی عبارت از مالی است که به عنوان بدل نفس یا اطراف در جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص به قربانی یا اولیای دم پرداخت می شود و بدین ترتیب در کنار قصاص یکی دیگر از شیوه های مقابله با جنایات و جبران آن ها می باشد. از این رو در تقسیم بندی مطالب کتب فقهی معمولاً پس از کتاب قصاص کتاب دیات آمده است زیرا قصاص و دیه هر دو به جنایات مربوط می شوند. (جرائم علیه اشخاص صفحه ۱۹۵)

دیه: خونبها علت تسمیه خونبها به دیه شاید آن باشد که دیه در مقابل ریختن و جاری شدن خون پرداخته میشود. (قاموس القرآن، ج ۷، ص ۱۹۵)

واژه کفاره:

واژه کفاره از ریشه "کفر" به معنای پوشاندن گرفته شده و به معنای آن چیزی است که گناه را می پوشاند می باشد (فرهنگ ابجدی، ص ۷۳۱)

(۱) اسلام و مسیح و یهود، دین واحد:

انسان ها از ابتدای خلقت تا کنون در حال پیشرفت و تغییر بوده اند لذا در دوران مختلف مسائلی که بشر با آن رو به رو بوده نیز با دوران قبلی تفاوت های شایانی دارد. پس لازم بود هر از چند گاهی تجدید نظری در باب احکام بشود پس از این که دین یهود و شریعت حضرت موسی در میان مردم سال های سال حاکم بود در زمان حضرت عیسی به یک بازنگری احتیاج پیدا کرد. بعد از دورانی نه چندان طولانی اسلام آمد تا آخرین احکام بازمانده ای را که تا آن روز به آن پرداخته نشده بود بیان کند. پس باید توجه داشته باشیم که احکامی که در اسلام وجود دارد مسلماً پیش زمینه هایی در ادیان مختلف دارد. و البته تأیید این مطلب در کتب آسمانی آمده است و هم انجیل تورات را تصدیق میکند و هم اسلام هر دو کتاب آسمانی قبل از خود را.

«حضرت عیسی علیه السلام می فرمایند: گمان مبرید که آمده ام تا تورات موسی و نوشته های سایر انبیاء را منسوخ کنم من آمده ام تا آن ها را تکمیل نمایم و به انجام برسانم. برآستی به شما می گویم که از میان احکام تورات هر آن چه که باید عملی شود یقیناً یک به یک عملی خواهد شد پس هر کس از کوچکترین حکم آن سرپیچی کند و به دیگران نیز تعلیم دهد که چنین کنند او در ملکوت آسمان از همه کوچکتر خواهد بود (انجیل متی، باب ۵، قسمت احکام تورات)»

این جملات که عیناً در انجیل آمده است مشخص می کند که در مسیحیت اعتقاد راسخی به انبیاء قبل از حضرت مسیح و به خصوص حضرت موسی وجود دارد و نیز به وضوح بیان می کند که مسیحیان به همان اندازه که باید احکام انجیل را جامه عمل بپوشانند باید به احکام تورات هم عمل کنند.

و در قرآن می خوانیم: «وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً وَ هَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانِ عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ بَشْرَى لِّلْمُحْسِنِينَ (احقاف/۱۲) [چگونه یک دروغ قدیمی است] در حالی که پیش از آن کتاب موسی پیشوا و رحمت بود [او از نزول آن بر پیامبر اسلام خبر داده]، و این قرآن تصدیق کننده [آن] است در حالی که به زبان عربی [فصیح و گویا] است تا ستمکاران را بیم دهد، و برای نیکوکاران بشارتی باشد.»

«وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لِيُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَ مَنْ حَوْلَهَا وَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ (انعام/۹۲) و این [قرآن] کتابی است پرفایده، که ما آن را نازل کردیم، تصدیق کننده کتاب های آسمانی پیش از خود است، و [نزولش] برای این است که مردم مکه و کسانی را که پیرامون آنند بیم دهی؛ و آنان که به آخرت ایمان دارند به آن ایمان می آورند، و آنان همواره بر نمازشان محافظت می کنند.»

از عبارت "کتاب مصدق" و نیز "مصدق الذی بین یدیه" در می یابیم که در قرآن مطالب و احکامی آمده که در تورات هم بوده و این احکام و مطالب قرآنی تأییدی است بر تورات. یعنی اسلام و مسلمانان هم به حضرت موسی علیه السلام و کتاب مقدس یهودیان که تورات است ایمان دارند. هم چنین از همین عبارات اعتقاد مسلمانان به حضرت عیسی علیه السلام به عنوان پیامبر و انجیل به عنوان یکی دیگر از کتب مقدس مستفاد می گردد.

(۲) علت حرمت قتل نفس در ادیان مختلف:

یهودیان قتل را گناه و حرام میدانند و به نوبه خود شدید ترین مجازات ها را برای جلوگیری از قتل در نظر گرفته اند و ما در تورات می خوانیم: «قتل نکن. زنا مکن. دزدی نکن. دروغ نگو. چشم طمع به مال و ناموس دیگران نداشته باش. به فکر تصاحب غلام و کنیز گاو و الاغ و زمین و اموال همسایه ات نباش (تثنیه، ۵: ۱۷-۲۱)»

یهودیان علت حرمت قتل را آلودگی می دانند. آنان معتقدند خداوند در سرزمین یهودیان حضور دارد و حضور خداوند مایه دلگرمی و آرامش آنان است و امداد هایی را برایشان بی دریغ مهیا میکند. پس منطقی به نظر می رسد خداوند دوستدار پاکیزگی، از قتل و آلودگی بیزار باشد و از آن نهی کند. خون ریزی باعث نجاست سرزمین الهی می شود در حالیکه زمین مقدس است و باید نجاست را از آن دور نگه داشت و در تورات آمده: «اگر این قوانین را مراعات کنید سر زمین شما آلوده نخواهد شد زیرا قتل موجب آلودگی زمین میگردد. سرزمینی را که در آن ساکن خواهید شد، نجس نسازید، زیرا من که خداوند هستم در آن جا ساکن می باشم. (اعداد، ۳۵: ۳۴)»

مسیحیان هم قتل را حرام میدانند با این توجیه که هر فرد برادر فرد دیگر است و انسان باید با هر فرد از این منظر برخورد کند که او برادر و هم نوع اوست و بر انسان واجب است که با برادر خود به رحمت و عطفیت برخورد کند به گونه ای که محلی برای خشم و غضب نباشد چه رسد که به هر دلیل او را بکشد.

در انجیل آمده «گفته شده است که هر کس مرتکب قتل شود، محکوم می باشد. اما من می گویم که حتی اگر نسبت به برادر خود خشمگین شوی و بر او فریاد بزنی باید تو را محاکمه کرد و اگر برادر خود را ابله خطاب کنی، باید تو را به دادگاه برد و اگر به دوستت ناسزا گویی سزای آتش جهنم است». (انجیل متی، باب ۵، قسمت احکام تورات / ۲۱ و ۲۲)»

از منظر اسلام قتل نفس به این دلیل حرام است که خداوند قادر و متعال هنگامیکه اراده فرموده به این که نفسی موجود در این دنیا باشد و او موجود می شود و به او مدت معینی را داده تا در این دنیا زندگی کند. قتل نفس حرمت دارد چون مخالف است با اراده ی خداوند. خدای متعال انسان را آفرید درحالی که خون او را حرام کرد و قتل نفس جدای از تعدی به درگاه الهی و حق الناس به سبب گناه مرتکب شده ظلم به خود نیز هست.

و در قرآن آمده: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا (الاسراء/۳۳) و کسی را که خدا کشتنش را حرام کرده [و به جاننش حرمت نهاده] جز به حق نکشید، و هر کس مظلوم [و به ناحق] کشته شود، برای وارثش تسلطی بر قاتل [جهت خونخواهی، دیه و عفو] قرار داده ایم، پس وارث مقتول نباید در کشتن زیاده روی کند؛ زیرا او [با قوانین صحیح و درستی چون دیه و قصاص] مورد حمایت قرار گرفته است.»

هم چنین برداشت می شود قصاص و دیه حقی از جانب خداوند است که به موجب رحمتش برای وراثت مقتول در نظر گرفته است. در کنار قصاص و دیه، عفو را هم می توان حقی دیگر برای وارثان مقتول پنداشت. در ادامه مطالب به این می پردازیم که چه حکمتی در پس این بخشش است و چرا بخشش هم لطفی است از جانب خالق بی همتا برای قاتل و هم چنین خانواده مقتول.

و در نهایت آیه ای از قرآن حرف آخر را می زند و بیان می کند که انسان نباید قتل کند که قتل حتی یک نفر نیز همانند قتل همه انسان ها است. گرچه این آیه در ابتدا یک مثال به نظر برسد اما بیانگر این حقیقت بزرگ است که اگر قبح این کار در بین مردم از میان برود از عواقب خطرناک آن هیچ کس در امان نخواهد بود. قتل های پی در پی به سبب انتقام جویی نه تنها تعدادی از انسان ها بلکه نوع بشریت را به کام مرگ می کشاند.

«مَنْ أَجْلُ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا... (المائده/۳۲) به این سبب بر بنی اسرائیل لازم و مقرر کردیم که هر کس انسانی را جز برای حق، قصاص یا بدون آنکه فساد در زمین کرده باشد، بکشد، چنان است که همه انسان ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ برهاند و زنده بدارد، گویی همه انسان ها را زنده داشته است.»

۳) تقسیم بندی قتل در ادیان ابراهیمی

این موضوع که هر دین چه تقسیم بندی ای از قتل ارائه کرده مشخص می کند که از جهات و ابعادی به قتل نگاه می کند بنابر این ضرورت دارد که آن را بررسی کنیم.

۳-۱) در تورات قتل را به دو دسته عمدی و تصادفی تقسیم نموده و معتقد است اگر قتل تصادفی باشد نباید قاتل را در اختیار اولیای مقتول قرار داد. در حالیکه قاتل در قتل عمد باید به دست اولیای دم سپرده شود و آنان خود باید او را بکشند. تورات: «اگر شخصی از روی کینه با پرتاب چیزی به طرف کسی یا با هل دادن او وی را بکشد، یا از روی دشمنی مشت به او بزند که او بمیرد آن شخص قاتل است و قاتل باید کشته شود. مدعی خون مقتول وقتی قاتل را ببیند خودش او را بکشد. ولی اگر قتل تصادفی باشد، ... در این جا قوم باید در مورد این که آیا قتل تصادفی بوده یا نه و این که آیا قاتل را به دست مدعی خون مقتول بسپارند یا نه، قضاوت کنند. (اعداد، ۳۸: ۲۲-۲۴)»

۳-۲) در انجیل مطلب خاصی مبنی بر تقسیم قتل به طور مستقیم به دست نیامد. با این حال جمله ای در این رابطه وجود دارد که به ما کمک می کند.

«گفته شده است که هر کس مرتکب قتل شود، محکوم می باشد. اما من می گویم که حتی اگر نسبت به برادر خود خشمگین شوی و بر او فریاد بزنی باید تو را محاکمه کرد و اگر برادر خود را ابله خطاب کنی، باید تو را به دادگاه برد و اگر به دوستت ناسزا گویی سزایت آتش جهنم است. (انجیل متی، باب ۵، قسمت احکام تورات ۲۱/ و ۲۲)»

از این جمله بر می آید که در مسیحیت نیز تقسیم بندی به قتل عمدی و غیر عمدی وجود دارد به این دلیل که خشم معمولاً منشا قتل های عمد و شبه عمد است و جلوگیری از آن نیز نمی تواند کمکی به پیشگیری از قتل های غیر عمدی و خطای محض داشته باشد. پس برداشت می شود همانند تقسیم بندی یهود در مسیحیت هم قتل عمدی را از غیر آن جدا کرده است.

۳-۳) در اسلام: در اسلام دو نوع تقسیم بندی وجود دارد که یک تقسیم بندی به عمدی و غیر عمدی است (همانند دو دین دیگر) و یکی از منظر شرعی و غیر شرعی بودن عمل قاتل است.

- تقسیم بندی به عمدی و غیر عمدی:

در اسلام هم قتل به دو دسته عمدی و غیر عمدی تقسیم می شود. در قتل عمد حق قصاص برای اولیای مقتول هست ولی در قتل غیر عمد قصاص برای قاتل نیست ولی بقیه مجازات ها از جمله کفاره و دیه به جای خود باقی است. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ (النساء/۹۲) هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را بکشد، مگر آنکه این عمل از روی خطا و اشتباه اتفاق افتد. و کسی که مؤمنی را از روی خطا و اشتباه بکشد، باید یک برده مؤمن آزاد کند»

- تقسیم بندی به قتل مشروع و مجاز (جهاد و دفاع) و غیر مجاز یا حرام:

قتل اگر از روی حرص و کینه باشد و یا به طور کلی دلیلی شرعی برای آن نباشد کاری بس ناپسند و مذموم است با این حال جهاد در راه خدا و نیز دفاع از حریم خود نه تنها امری ناپسند نیست بلکه به آن امر هم شده است.

نکته دیگر اینکه دیه قتل نفس در ماه های حرام دو برابر می شود تا از قتل در این ماه ها جلوگیری بیشتری به عمل آید و حرمت این ماه ها حفظ شود با این حال این آیه بیان گر این است که دفاع مشروع از حرمت ماه حرام بالا تر است. «الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ ... (بقره/۱۹۴) ماه حرام در برابر ماه حرام است [اگر دشمن حرمت آن را رعایت نکرد و با شما در آن جنگید، شما هم برای حفظ کین خود در همان ماه با او بجنگید.] و همه حرمت ها دارای قصاص اند. پس هر که بر شما تعدی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدی کنید...»

۴) مجازات های قاتل در ادیان مختلف:

بزرگترین تفاوتی که در این زمینه در میان سه دین ابراهیمی به چشم می خورد همان مجازات های آنان است که اغلب از آن باخبرند. ولی می توان با بررسی به تطبیق آنان پی برد. در وهله اول مجازات های اجتماعی را بررسی می کنیم که در ارتباط با خانواده مقتول می باشد.

۴-۱) مجازات های اجتماعی

در دین یهود برای قتل عمد قصاص در نظر گرفته شده است. در مورد قتل غیر عمد قصاص حکم لازم نیست. بلکه مجرم ابتدا باید در دادگاه عادلانه جرمش بررسی شود. غیر عمد بودن جرمش قطعی شود و در نهایت راجع به مجازاتش بحث شود. «اگر شخصی از روی کینه کسی را بکشد آن شخص قاتل است و قاتل باید کشته شود. ولی اگر قتل تصادفی باشد، در حالی که قاتل، دشمنی با وی نداشته باشد، در این جا قوم باید در مورد این که آیا قتل تصادفی بوده یا نه و این که آیا قاتل را به دست مدعی خون مقتول بسپارند یا نه، قضاوت کنند. اگر به این نتیجه برسند که قتل تصادفی بوده آن وقت قوم اسرائیل، او را از دست مدعی برهاند و به او اجازه دهند در شهر پناهگاه ساکن شود (اعداد، ۳۵: ۲۰-۲۵)»

در مسیحیت: «گفته شده که اگر کسی چشم دیگری را کور کند باید چشم او را کور کرد و اگر دندان کسی را بشکند باید دندانش را شکست اما من می گویم که اگر کسی به تو زور گوید با او مقاومت نکن حتی اگر به گونه راست تو سیلی زند گونه دیگری را نیز پیش ببر تا به آن سیلی بزند... (انجیل متی، باب پنجم، ۳۸-۴۲)»

بخشش به هر صورت در وهله اول از خود قتل جلوگیری می کند و در وهله دوم از قصاص؛ هر دو به نحوی به بقای بشر کمک می کند.

در دین اسلام: سه راه مدنظر قرار گرفته:

- قصاص یعنی کشتن فرد قاتل: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتل الحار بالحر و العبد بالعبد و الأثنی بالأنثی (سوره بقره آیه ۱۷۸) ای اهل ایمان! در مورد کشته شدگان بر شما قصاص مقرر و لازم شده: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در برابر زن» همانند آن چه که ما در تورات می خوانیم
- بخشش فرد قاتل: «فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أُخِيهِ شَيْءٌ فَاَتْبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ (سوره بقره آیه ۱۷۸) (پس اگر از سوی برادرش [که ولی مقتول است] مورد چیزی از عفو قرار گرفت [که به جای قصاص، دیه و خون بها پرداخت شود] پس پیروی از روش شایسته و پسندیده [نسبت به وضع مادی قاتل بر عهده عفو کننده است])» این نیز شباهت زیادی به حکمی دارد که در مسیحیت وجود دارد.

- پرداخت دیه و به عبارتی خون بهای مقتول: «و أَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ (سوره بقره آیه ۱۷۸) و پرداخت دیه و خون بها با نیکویی و خوشرویی بر عهده قاتل است» روش سوم و نیز آوردن آن نه به تنهایی بلکه در کنار دو روش دیگر تنها برای راحتی انسان ها است و امدادی بزرگ از جانب خداوند. «ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ رَحْمَةٌ (سوره بقره آیه ۱۷۸) این [حکم] تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان» حال با این وجود هستند انسان هایی که باز راه نفس را پیش می گیرند و طغیان می کنند که پروردگار جواب آن ها را داده است. «فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ (سوره بقره آیه ۱۷۸) پس هر که بعد از عفو، تجاوز کند و به قصاص قاتل برخیزد برای او عذابی دردناک است.»

۴-۲) مجازات های شخصی قاتل:

می دانیم قتل از دو منظر همیشه مطالعه می گردد و بر انسان از دو جهت تاثیر دارد یکی آن که فرد چه عمدی و چه سهوی در حق مقتول ظلمی میکند که فرصت زندگی را از او می گیرد و دوم آنکه در حقیقت به خودش ظلم می کند و تا آخر عمر بار عذاب وجدان را به دوش می کشد. دین برای آن می آید که تمام ابعاد زندگی بشر را بررسی کند و مسلما هم مجازات اجتماعی دارد و هم به علت ظلم به خودی که در قتل وجود دارد مجازات شخصی در نظر دارد.

از امام رضا علیه السلام پرسیده شد: آیا شما در باب قتل نفس گفتید که خطا و جهالت و تعدد با هم برابر نخواهند بود؟ چگونه گناه عامد را از گناه جاهل و خاطی بیشتر می دانید؟ ابو الحسن امام رضا علیه السلام گفت: به خاطر اینکه در صورت عمد و قصد، جان خود را آلوده گناه و پلیدی کرده و با دین خود بازی کرده است. (گزیده کافی، ج ۳، ص: ۳۹۸ و ۳۹۹ ح: ۲۰۴۱)
در این حدیث هم اشاره شده سخت گیری بیشتر در باب قتل عمد به این علت است که قاتل روح خود را آلوده می کند و دین خود را به خطر می اندازد.

در ادیان مختلف بحثی پیرامون دیه و کفاره مطرح می شود. در جایی که فرد قاتل از قصاص رهایی پیدا می کند آیا باز هم بر گردن او چیزی باقی می ماند؟

- در دین یهود ما مطالبی در این زمینه پیدا می کنیم که گفته شده: «هر وقت کسی قاتل شناخته شد باید کشته شود و خون بهایی برای رهایی او پذیرفته نشود ... هیچ کفاره ای برای قتل به جز کشتن قاتل پذیرفته نمی شود. اعداد (۳۸): ۳۰-۳۳» از این مطالب چنین برداشت می شود که اگر قتل عمدی باشد جزایی جز قصاص ندارد کفاره قاتل عمد قصاص اوست اما گاهی قتل غیر عمد بوده و در تورات گفته شده: «ولی اگر قتل تصادفی باشد، مثلا شخصی چیزی را به طور غیر عمد پرتاب کند یا کسی را هل دهد و باعث مرگ او شود و یا قطعه سنگی را بدون قصد پرتاب کند و آن سنگ به کسی اصابت کند و او را بکشد در حالی که پرتاب کننده، دشمنی با وی نداشته باشد، در این جا قوم باید در مورد این که آیا قتل تصادفی بوده یا نه و این که آیا قاتل را به دست مدعی خون مقتول بسپارند یا نه، قضاوت کنند. (اعداد، ۳۸: ۲۲-۲۴)»

نتیجه میگیریم که اگر قتل عمدی نباشد که شامل خطای محض و شبه عمد می شود ممکن است قوم بپذیرند که قاتل دیه و کفاره بدهد و به زندگی خود ادامه دهد.

- در اسلام هم که آمده:

«وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ إِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَ تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامٌ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (۹۲/النساء) هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را بکشد، مگر آنکه این عمل از روی خطا و اشتباه اتفاق افتد. و کسی که مؤمنی را از روی خطا و اشتباه بکشد، باید یک برده مؤمن آزاد کند، و خون‌بهایی به وارثان مقتول پرداخت نماید؛ مگر آنکه آنان خون‌بها را ببخشند. و اگر مقتول از گروهی باشد که دشمن شما نیست و خود او مؤمن است، فقط آزاد کردن یک برده مؤمن بر عهده قاتل است. و اگر مقتول مؤمن، از گروهی باشد که میان شما و آنان پیمانی برقرار است، باید خون‌بهایش را به وارثان او پرداخت کند، و نیز یک برده مؤمن آزاد نماید. و کسی که برده نیافت، باید دو ماه پیایی روزه بگیرد. [این حکم] به سبب [پذیرش] توبه [قاتل] از سوی خداست؛ و خدا همواره دانا و حکیم است.

در این جا هم بیان گردیده که اگر قتل خطا بوده و غیر عمدی آنگاه دیه باید و نیز کفاره ای برای خطای مرتکب شده پرداخت شود

اما همان طور که ملاحظه فرمودید این حکم با صراحت بیشتری در دین اسلام آمده است و مشخصا بیان می دارد که چه باید کرد آری در مواردی دین بعدی همان حکم را منتها با وضوح بیشتر بیان میکند.

«لِزُومِ پَرَدَاخْتِ دِيَه، از جمله احکامی است که از قبل از اسلام به عنوان شیوه ای برای حل و فصل خصومت ها و پایان بخشیدن به منازعات در جوامع مختلف، مرسوم بوده است. این حکم توسط اسلام مورد تایید و امضا قرار گرفته و البته، برای جلوگیری از اعمال سلیقه و تضييع حقوق اشخاص، حدود آن به روشنی معین شده است. (جرائم علیه اشخاص صفحه ۱۹۵)»

ماهیت دیه :

«پرداخت دیه به مجنی علیه یا اولیای دم وی در قبال جنایتی که بر مجنی علیه وارد شده است هماهنگ با تفکری است که امروزه زیر بنای آن چه را که آن عدالت ترمیمی می نامیم تشکیل می دهد. زیرا تکیه اصلی در این تاسیس بر جبران زیان قربانی جرم است تا آن جا که با پرداخت ما به ازای مالی ممکن می باشد.

برخی این تاسیس را در واقع تخفیفی از جانب خداوند دانسته اند و اظهار داشته اند که حکمی که برای پیروان دین یهود در تورات آمده بود تنها قصاص و آن چه که در انجیل برای مسیحیان آمده بود تنها بخشش و نهایتا دیه بود. لکن قرآن مجید قصاص و دیه را در کنار هم پیش بینی کرده است و همان طور که خداوند می فرماید: ذلک تخفیف من ربکم و رحمہ کہ منظور از آن این است که پیش بینی امکان عفو جانی و تبدیل قصاص به دیه در اسلام در واقع تخفیفی است نسبت به آن چه که در میان بنی اسرائیل در مورد بلا تغییر بودن حکم قصاص وجو داشته است (جرائم علیه اشخاص صفحه ۱۹۶)»

کفاره:

«روزه کفاره قتل خطاست و واجبست که بنده آزاد کند و اگر نداشته باشد دو ماه پی در پی روزه می‌دارد چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده است که هر که مؤمنی را از روی خطا بکشد خواه قصد آن فعل داشته باشد مثل شبه عمد و خواه نداشته باشد مثل خطای محض و شبه عمد (لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه؛ ج ۶؛ ص ۱۷۲)»

«امام رضا علیه السلام فرمودند: و اگر بپرسد چرا در کفاره برای کسی که قدرت مالی ندارد که بنده آزاد کند روزه معین کرده است نه حجّ و نه نماز و نه غیر این دو از عبادات را؟ گفته می‌شود: برای اینکه نماز و حجّ و سایر عبادات واجبه مانع از کار و کوشش زندگی است و انسان را از امور ضروری معیشت باز میدارد و اگر بپرسد: چرا روزه، دو ماه را واجب کرد؟ جواب آن است که خداوند در سال روزه یک ماه را واجب کرده و آن را برای سخت‌گیری بر او و تأکید دو چندان نمود و اگر بپرسد: چرا آن پی در پی مقرر شده است؟ پاسخ داده شود که: این برای آن است که آن را کوچک و بی‌اهمیت و آسان بشمارند، چون اگر آن را متفرقا بجای آورند چندان سخت نمی‌نماید. (ترجمه عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۲۵۴)»

۵) حقوق اولیای دم:

باید در نظر داشت که خانواده مقتول در هر حال داغی را متحمل می شوند و لازم است که برای آن ها حقوقی در نظر گرفته شود تا بتوانند راحت تر با از دست دادن عزیزشان کنار بیایند. در تمام این سه دین نیز مزایا و حقوقی برای اولیای دم وجود دارد که ما اکنون آن ها را بیان می داریم.

۵-۱) در تورات آمده: «مدعی خون مقتول وقتی قاتل را ببیند خودش او را بکشد. (اعداد، ۳۵: ۲۰)» این امر مسلماً یکی از امکاناتی است که برای خانواده مقتول که مدعی خون مقتول اند در نظر گرفته شده است. این کار داغ آن ها را فرو می نشاند اما نباید فراموش کرد که خشونت را رواج می دهد چرا که شاید به واسطه داغی که خانواده مقتول وارد شده است آن ها از عدالت فاصله بگیرند و قصاص را به بدترین نحو ممکن انجام کنند.

۵-۲) در انجیل مطلبی یافت نشد. از این مطلب برداشت می شود که مسیحیان امید وارند در قبال بخششی که نسبت به قاتل دارند و تلاشی که در جهت برقراری آرامش در جامعه دارند از خداوند هدیه گرفته و گناهانشان بخشیده شود. که البته نباید فراموش کرد که خداوند غفار است و مسلماً این کار آنها بی اجر نخواهد بود.

۵-۳) در اسلام بعد از قصاص که بالاترین گزینه ایست که برای خانواده مقتول وجود دارد گزینه های دیگری نیز قرار داده شده است.

دیه امکانی برای خانواده مقتول و راهی برای جلوگیری از قصاص است: «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا (النساء/۹۲) هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را بکشد، مگر آنکه این عمل از روی خطا و اشتباه اتفاق افتد. و کسی که مؤمنی را از روی خطا و اشتباه بکشد، باید یک برده مؤمن آزاد کند، و خون بهایی به وارثان مقتول پرداخت نماید؛ مگر آنکه آنان خون بها را ببخشند.»

و همچنین بخشش هم وجود دارد که در بیان آن آمد که اجر آنها نزد خداوند است و قطعاً خداوند از گناهان بخشنده در می گذرد. یکی از علت های بیان این امر آن است که در آیه برای در گذشتن از دیه از واژه ی یصدقوا استفاده کرده است. این واژه نشان می دهد که این بخشش در حکم صدقه دادن است و نتایج صدقه دادن بر آن وارد می شود چرا که از حق خود در می گذرند.

۶) مجازات های قاتل در حقوق ایران:

مبنای اصلی حقوق جزای ایران قانون مجازات است و قانونگذار سعی کرده تا حد امکان این قوانین را بر مبنای آیات قرآن بنویسد. به همین ترتیب قصاص برای مجازات قاتل در قتل عمد وجود دارد. البته اگر اولیای دم از قصاص نگذرند. و قصاص در قتل غیر عمد و شبه عمد وجود ندارد. مسئله ای که قابل ذکر به نظر می رسد مواردی از قتل های عمد است که به حکم عقل و با توجه به آیات قرآن در قانون مجازات اسلامی قصاص ندارند که از قرار ذیل اند:

۶-۱) زمانی که مرتکب قتل پدر یا اجداد پدری مقتول باشد (ماده ۳۰۱)

۶-۲) فرد قاتل عاقل نباشد در نتیجه ارتکاب قتل در حالی که فرد مست بوده و یا زوال عقل داشته به شرط اثبات زوال عقل محکوم به قصاص نمی شود لکن پرداخت دیه و کفاره بر ذمه او هم چنان خواهد بود (۳۰۱ و ۳۰۷)

۶-۳) کشتن متجاوز و دفاع مشروع علیه حمله نفس، عرض، ناموس، مال و یا آزادی تن (ماده ۳۰۲)

۶-۴) جنایت علیه جنین قبل از تولد حتی اگر روح در آن دمیده باشد موجب قصاص نیست اما دیه و مجازات تعزیری دارد (۳۰۶)

۶-۵) هنگامی که قاتل مسلمان باشد و مقتول غیر مسلمان باشد (۳۱۰) در این مورد هم قصاص نیست.

۶-۶) اگر قاتل غیر مسلمان و مقتول مسلمان باشد ان گاه قبل از این که قاتل قصاص شود مسلمان شود که در نتیجه اسلام آوردن او، دیگر قصاص نمیشود. (ماده ۳۱۰ تبصره ۲) توجه در این دو مطلب اخیر (که طبق آیه ۹۲ سوره نساء می باشد) نشان میدهد یکی از راه هایی که افراد را به دین اسلام دعوت می کند این است که در اسلام برای مسلمانان تخفیفاتی وجود دارد و موکداً در زمانی که دعوا بین یک مسلمان و یک غیر مسلمان باشد. و نیز اشاره دارد به این که دین داری و اسلام

چنان درجه ای به انسان می دهد که خون او را در برابر غیر او حرام می کند و حتی پس از آنکه حکم صادر شد قصاص را از او بر می دارد.

در حقوق ایران اصطلاحی تحت عنوان مورد سالب مسؤلیت کیفری دارند که علاوه بر موارد فوق موارد دیگری را هم شامل می شوند و ما به اختصار آن ها را ذکر می کنیم .

(۱) صغر سن (۲) اشتباه (۳) رضایت مجنی علیه (۴) اکراه (۵) اجبار (۶) اضطرار (۷) امر آمر قانونی (۸) تأدیب و حفاظت

۷) فواید و مضرات هر کدام از مجازات های اجتماعی قتل از دیدگاه عقل و دین

«قصاص و عفو یک مجموعه عادلانه است لذا قرآن حکم اصلی را قصاص قرار داده، و برای تعدیل آن حکم عفو را در کنار این حکم ذکر کرده است. به عبارت روشن تر اولیاء مقتول حق دارند در برابر قاتل یکی از سه حکم را اجراء کنند: قصاص یا عفو تمام و یا عفو در ازای پرداخت دیه (تفسیر نمونه جلد ۱، صفحه ۶۰۷)»

«احکام اسلام مطابق با احساسات انسانی است "حس انتقام و حس عاطفه را ملاک قرار داده است یعنی حکم اولی قتل، قصاص است ولی اگر کسی از عواطف انسانی استفاده کرده و قاتل را عفو کند، مجاز است. این حکم مطابق فطرت انسان است زیرا اگر تنها قصاص بود یک حکم خشن و غیر قابل انعطاف می شد و اگر فقط خونبها و عفو بود مورد سوء استفاده واقع می گردید" (تفسیر احسن الحدیث، ج ۱، ص ۳۲۷)»

۷-۱) قصاص:

« قصاص از یک سو ضامن حیات جامعه است، زیرا اگر حکم قصاص به هیچوجه وجود نداشت و افراد سنگدل احساس امنیت می کردند جان مردم بی گناه به خطر می افتاد همانگونه که در کشورهایی که حکم قصاص به کلی لغو شده آمار قتل و جنایت به سرعت بالا رفته است.

و از سوی دیگر مایه حیات قاتل است چرا که او را از فکر آدم کشی تا حد زیادی باز می دارد و کنترل می کند. و از سوی سوم به خاطر لزوم تساوی و برابری جلو قتل های پی در پی را می گیرد و به سنتهای جاهلی که گاه یک قتل مایه چند قتل و آن نیز به نوبه خود مایه قتل های بیشتری می شد پایان می دهد، و از این راه نیز مایه حیات جامعه است. و با توجه به اینکه حکم قصاص مشروط به عدم عفو است نیز دریچه دیگری به حیات و زندگی گشوده می شود. جمله لعلکم تنقون که هشدار است برای پرهیز از هر گونه تعدی و تجاوز، این حکم حکیمانه اسلامی را تکمیل می کند. در مورد مسئله قصاص انتقاداتی وارد است مانند آنکه قاتل جنایتی مرتکب شده و قصاص تنها تکرار آن جنایت است یا اینکه قساوت قلب می آورد و تاکید بر انتقام جویی دارد و ... اما دقت در آیات قصاص در قرآن مجید جواب این اشکالات را روشن می سازد (وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ).

زیرا از بین بردن افراد مزاحم و خطرناک گاه بهترین وسیله برای رشد و تکامل اجتماع است، و چون در اینگونه موارد مساله قصاص ضامن حیات و ادامه بقا می باشد شاید از این رو قصاص به عنوان غریزه در نهاد انسان گذارده شده است.

نظام طب، کشاورزی، دامداری همه و همه روی این اصل عقلی (حذف موجود خطرناک و مزاحم) بنا شده زیرا می بینیم به خاطر حفظ بدن، عضو فاسد را قطع می کنند، و یا به خاطر نمو گیاه شاخه های مضر و مزاحم را می برند، کسانی که کشتن قاتل را فقدان فرد دیگری می دانند تنها دید انفرادی دارند، اگر صلاح اجتماع را در نظر بگیرند و بدانند اجرای قصاص چه نقشی در حفاظت و تربیت سایر افراد دارد در گفتار خود تجدید نظر می کنند، از بین بردن این افراد خونریز در اجتماع همانند قطع کردن و از بین بردن عضو و شاخه مزاحم و مضر است که به حکم عقل باید آن را قطع کرد، و ناگفته پیداست که تا کنون هیچکس به قطع شاخه ها و عضوهای فاسد و مضر اعتراض نکرده است در ضمن باید گفت که قصاص انتقام جویی نیست بلکه قصاص به منظور پیشگیری از تکرار ظلم و ستم بر اجتماع است و هدف آن عدالتخواهی و حمایت از سایر افراد بی گناه می باشد (تفسیر نمونه جلد ۱، صفحه ۶۰۶-۶۱۲)»

۷-۲) عفو و بخشش:

«فرض کنید قاتل و مقتول با هم برادر و یا سابقه دوستی و پیوند اجتماعی داشته باشند، در اینصورت اجبار کردن به قصاص داغ تازه‌ای بر اولیای مقتول می‌گذارد، و مخصوصا در مورد افرادی که سرشار از عواطف انسانی باشند اجبار کردن بر قصاص خود زجر و شکنجه دیگری برای آنها محسوب می‌شود. (تفسیر نمونه جلد ۱، صفحه ۶۰۶-۶۱۲)» این از یک سو و از طرفی هر چند قتل عمدی باشد چه بسا فرد توبه کند و از کاری که کرده پشیمان شود. آیا باید نا امید شود از آنکه بخشیده شود و فرصتی دوباره برای زندگی بیابد؟ و یا اینکه نا امیدی گناهی دیگر است و از رحمت حق هیچ گاه نباید نا امید شد؟

۷-۳) دیه و خون بها:

گاهی با پرداخت وجهی در قبال خون مقتول می‌توان نظر خانواده اش را از قصاص برگرداند و فرصتی دوباره برای زندگی به قاتل داد. در ثانی گاهی فرد خودش قصد قصاص ندارد و می‌خواهد از خون قاتل در گذرد در این صورت دیه می‌تواند کمکی به خانواده مقتول برای باز سازی وضعیت شان باشد علی‌الخصوص هنگامیکه مقتول مرد و یا نان آور خانواده باشد و انسانیت بر قاتل لازم می‌کند که اگر آن‌ها از تو گذشتند و فرصت ادامه زندگی به تو دادند تو هم از آن‌ها دلجویی و در صد رفع نیازهای مادی آن‌ها به آنها دیه را پرداخت کن.

۸) دیه زن نصف مرد:

«ممکن است بعضی ایراد کنند که در آیات قصاص دستور داده شده که نباید "مرد" بخاطر قتل "زن" مورد قصاص قرار گیرد، مگر خون مرد از خون زن رنگین‌تر است؟ چرا مرد جنایتکار بخاطر کشتن زن و ریختن خون ناحق از انسانهایی که بیش از نصف جمعیت روی زمین را تشکیل می‌دهند قصاص نشود؟! در پاسخ باید گفت: مفهوم آیه این نیست که مرد نباید در برابر زن قصاص شود بلکه همانطور که در فقه اسلام مشروحا بیان شده اولیای زن مقتول می‌توانند مرد جنایتکار را به قصاص برسانند به شرط آنکه نصف مبلغ دیه را بپردازند.

به عبارت دیگر: منظور از عدم قصاص مرد در برابر قتل زن، قصاص بدون قید و شرط است ولی با پرداخت نصف دیه، کشتن او جایز است.

و لازم به توضیح نیست که پرداخت مبلغ مزبور برای اجرای قصاص نه بخاطر این است که زن از مرتبه انسانیت دورتر است و یا خون او کمرنگ‌تر از خون مرد است، این توهمی است کاملا بیجا و غیر منطقی که شاید لفظ و تعبیر "خونبها" ریشه این توهم شده است، پرداخت نصف دیه تنها بخاطر جبران خسارتی است که از قصاص گرفتن از مرد متوجه خانواده او می‌شود. توضیح اینکه: مردان غالبا در خانواده عضو مؤثر اقتصادی هستند و مخارج خانواده را متحمل می‌شوند و با فعالیتهای اقتصادی خود چرخ زندگی خانواده را به گردش در می‌آورند، بنا بر این تفاوت میان از بین رفتن "مرد" و "زن" از نظر اقتصادی و جنبه‌های مالی بر کسی پوشیده نیست که اگر این تفاوت مراعات نشود خسارت بی‌دلیلی به بازماندگان مرد مقتول و فرزندان بی‌گناه او وارد می‌شود، لذا اسلام با قانون پرداخت نصف مبلغ در مورد قصاص مرد رعایت حقوق همه افراد را کرده و از این خلاء اقتصادی و ضربه نابخشودنی، که به یک خانواده می‌خورد جلوگیری نموده است اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که به بهانه لفظ "تساوی" حقوق افراد دیگری مانند فرزندان شخصی که مورد قصاص قرار گرفته پامال گردد.

البته ممکن است زنانی برای خانواده خود، نان‌آورتر از مردان باشند، ولی می‌دانیم احکام و قوانین بر محور افراد دور نمی‌زند بلکه کل مردان را با کل زنان باید سنجید. (تفسیر نمونه جلد ۱، صفحه ۶۰۶-۶۱۲)»

۹) چند نکته تطبیقی:

در این سه دین الهی مطالب زیادی در زمینه قتل پیدا می‌شود که بسیار شبیه هم اند و تأکید میکنند که هر سه دین مبنای واحد دارند که به عنوان نمونه چند مورد را می‌آوریم.
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

و کسی که شب را به صبح برساند در حالی که در دل نسبت به برادر دینی خود، کینه و احساس دشمنی داشته باشد شب را با خشم خداوند بسر برده، و در طول روز نیز مورد خشم پروردگار است تا آنکه (از این کار زشت) توبه کند و از اندیشه اهرمنی خود بازگردد؛ و اگر بر همین حال بمیرد، به دینی غیر از دین اسلام از دنیا رفته است. (پاداش نیکبها و کیفر گناهان، صفحه ۷۲۱) این مطلب به قسمتی از انجیل که در این باب مطرح شد شباهت زیادی دارد. «من می گویم که حتی اگر نسبت به برادر خود خشمگین شود و بر او فریاد بزنی باید تو را محاکمه کرد (انجیل متی، باب ۵، قسمت احکام تورات / ۲۱ و ۲۲)» هر دو انسان را به این دعوت می کنند که نسبت به دیگری خشم نگیرد، کینه به دل نداشته باشد. این خود راهی است برای پیشگیری از قتل و یا هر نوع ظلمی که ممکن است علیه دیگری روا داریم.

هم چنین در آیه ای می خوانیم: «و كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَ مَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (مانده/۴۵)» و ما در تورات بر بنی اسرائیل لازم و مقرر داشتیم که: [در قانون قصاص] جان در برابر جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی به عوض بینی، و گوش به جای گوش، و دندان در برابر دندان، و زخم‌ها را قصاصی است. و هر که از آن قصاص گذشت کند، پس آن گذشت کفارهای برای [خطاها و معاصی] اوست. و آنان که بر طبق آنچه خدا نازل کرده داوری نکنند، هم اینانند که ستمکارند.»

که این آیه شبیه موردی است که در تورات می خوانیم: «اگر به کسی صدمه ای وارد شود باید همان صدمه به ضارب نیز وارد گردد. جان به عوض جان، چشم به عوض چشم، دندان به عوض دندان، دست به عوض دست، پا به عوض پا، داغ به عوض داغ، زخم به عوض زخم، و ضرب به عوض ضرب (خروج، ۲۱: ۲۴ و ۲۵)»

در این جا الفاظ و ترتیب هم عوض نشده و چه زیبا مصداق آیه ی « وَ هَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِدَى بَيْنَ يَدَيْهِ (انعام/ ۹۲) و این [قرآن] کتابی است پرفایده، که ما آن را نازل کردیم، تصدیق کننده کتاب‌های آسمانی پیش از خود است " گشته است»

در احادیث اسلامی می خوانیم: « فضل بن عبد الملك گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه ضارب با حربه آهنین بر مضرورب زند چنانچه بمیرد قتل، قتل عمد است، گوید: پرسیدم از امام: قتل خطائی که در آن دیه و کفاره است، آیا اینست که کس دیگری را بزند ولی قصد کشتن او را نداشته باشد؟ فرمود: آری، عرض کردم: اگر بسوی چیزی تیر اندازد و آن تیر بخشی بر خورد کند و او را بکشد چه؟ فرمود: این خطائی است که در آن تردیدی وجود ندارد و بر تیرانداز هم کفاره است و هم دیه. (ترجمه من لا یحضره الفقیه، ج ۵، ص: ۴۷۳ و ۴۷۳، ح ۵۱۹۵)»

و در تورات گفته شده: «ولی اگر قتل تصادفی باشد، مثلا شخصی چیزی را به طور غیر عمد پرتاب کند یا کسی را هل دهد و باعث مرگ او شود و یا قطعه سنگی را بدون قصد پرتاب کند و آن سنگ به کسی اصابت کند و او را بکشد در حالی که پرتاب کننده، دشمنی با وی نداشته باشد، در این جا قوم باید در مورد این که آیا قتل تصادفی بوده یا نه و این که آیا قاتل را به دست مدعی خون مقتول بسپارند یا نه، قضاوت کنند. (اعداد، ۳۸: ۲۲-۲۴)»

چه جالب که مطالبی در این باب که در اسلام آمده با این همه شباهت نسبت به ادیان مسیحیت و یهود آمده است.

نتیجه

بررسی هایی که صورت گرفت به وضوح بیانگر این حقیقت است که این سه دین الهی از جانب خدای واحد آمدند. به مرور زمان با پیشرفت بشریت و مشکلات به وجود آمده کامل شدند. به این نحو که احکام قبلی را نه تنها رد نمی کردند بلکه تایید هم می کردند اما با در نظر گرفتن جوانب دیگر کامل تر شدند. در موضوع مورد بحث ما این تکمیل به این نحو بود که بیش از قبل مراعات قاتل را می نماید و نیز برای خانواده مقتول هم گزینه های بیشتری را قرار می دهد تا هر کس به مقتضای وضع شخصی خودش از احکام کلی یکی را انتخاب کند و این هم لطف دیگری برای وارثان مقتول می باشد. این نیز به نوبه خود نشان می دهد این اکمال دین در راستای راحتی بشر بوده است. تخفیفی در احکام قبلی بوده و ابعاد کامل تری را در نظر می گیرد. در یافتن این ارتباط میان ادیان می تواند آن ها را به هم نزدیک تر کند و کمکی باشد در راستای اتحاد قوای الهی در برابر

جنود شیطان و ان شاء الله منجر شود به ظهور موعود و منجی بشریت و تجلی مدینه فاضله ای که هر دین برای برقراری آن آمده بوده است.

یاد آوری می کنم در باب قتل نفس مطالب زیادی در دین مسیح نیافتیم و بیشتر از تفسیر دو مطلب یافت شده استفاده نمودیم. شایان ذکر بود که علت آن را بیان کنیم. دین مسیح طریقتی بود از شریعت حضرت موسی و آن ها در بسیاری از امور از کتاب یهودیان، تورات، استفاده می کنند. در نتیجه احتمال آن نیز می رود مطالبی که در تحلیل جملات تورات گفتیم را به مسیحیان نیز تعمیم دهیم که به نظر دور از صواب نیست.

در پایان لازم دانستم بیان کنم منابعی که این جانب از آن ها برای تحقیق استفاده کردم مسلما بسیار اندک بوده و قطعا مطالب در این زمینه فراتر از آن است که در چند صفحه کوتاه خلاصه شود. با این حال تلاش کردم تا با نگاهی عادلانه و به دور از هر نوع تعصب دینی و غرض ورزی موضوع قتل را بررسی کنم. احکام در ادیان الهی به صورت یک چهارچوب می آیند و افراد متخصص هر دین با تفسیر و توضیح این چهارچوب ها قوانین را بیان می کنند به همین علت برای ما راحت تر و در کل متقن تر همان بود که اصل مطلبی را که در کتب مقدس آمده بیان کنیم و از حاشیه هایی که در منابع دیگر وجود دارد دوری کنیم.

منابع و مراجع

- [۱] قرآن
- [۲] اناجیل اربعه
- [۳] تورات
- [۴] انصاریان، حسن، ترجمه قرآن، انتشارات اسوه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳
- [۵] بستانی، فؤاد افرام، فرهنگ ابجدی، مترجم میم یار، رضا، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵
- [۶] مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب اسلامی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴
- [۷] قرشی، سید علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۷
- [۸] قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱
- [۹] ابن بابویه، محمد بن علی، پاداش نیکیها و کیفر گناهان / ترجمه ثواب الأعمال - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۱ ش.
- [۱۰] میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه اشخاص، نشر میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۷
- [۱۱] قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس القرآن، تهران، چاپ ششم، ۱۴۱۲
- [۱۲] مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، لوامع صاحبقرانی مشهور به شرح فقیه - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ ق.
- [۱۳] ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه عیون أخبار الرضا علیه السلام - تهران، چاپ: اول، ۱۳۷۲ ش.
- [۱۴] کلینی، محمد بن یعقوب، گزیده کافی، بهبودی، محمد باقر، جلد ۳، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، تهران چاپ اول، ۱۳۶۳
- [۱۵] ابن بابویه، محمد بن علی، ترجمه من لا یحضره الفقیه، غفاری، علی اکبر و غفاری، محمد جواد و بلاغی، صدر، جلد ۵، نشر صدوق، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷ ش